چه غریبانه

«چه غریبانه» روایت ۳ شهادت در ایام اسارت است که توسط سید عبدالرحیم موسوی به نگارش درآمده است. این اثر به زندگی و شهادت شهیدان یوسف سلیمی‌بنی، رضاقلی اشرف و غلامعلی معتمدی می‌پردازد و مظلومیت آنها را در اردوگاه‌های عراق روایت می‌کند.

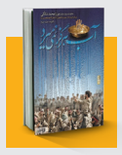

آب هرگز نمی‌میرد

کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» روایت خاطرات محمد سلگی، جانبازی از دوران دفاع مقدس است که در عملیات مرصاد هم حضور داشته است. این کتاب شامل ۱۱ فصل و عنوان‌هایی چون گردان سقاها، مجنون؛ جنگ آب و آتش، فاو؛ سلام بر تشنگی، با دو پای بریده و خدا با ما بود، است.

روایت تهران

خانه پدر جلال آل‌احمد؛ پناهگاه مردم

در روزگاری که پهلوی اول عزاداری و برگزاری مراسم مذهبی را ممنوع اعلام کرده بود، بسیاری از علما با همراهی مردم خانه‌های خود را به حسینیه و مجلس عزاداری سیدالشهدا(ع) تبدیل کردند و در برابر ظلم و جور طاغوت ایستادند. خانه تاریخی پدری جلال آل احمد در خیابان خیام، یکی از همین خانه‌ها بود؛ خانه‌ای متعلق به دوره احمدشاه و محل زندگی آیت‌الله سیداحمد طالقانی، پدر جلال آل احمد و یکی از علمای معروف و متنفذ تهران.

این خانه در روزگار ممنوعیت روضه‌خوانی، پناهگاه مذهبی اهالی سنگلج بود. استقبال مردم از مراسم عزاداری و روضه‌خوانی آیت‌الله طالقانی به اندازه‌ای بود که ماموران پس از بارها تهدید و خرابکاری، یک‌بار خواستند خانه را تخریب کنند، اما آیت‌الله طالقانی که به ایستادگی در مقابل ظلم شهره بود، مقابل مأموران ایستاد و آن روز غائله ختم به خیر شد.

ماجرای مقاومت آیت‌الله سیداحمد طالقانی در برابر مأموران، چند روزی در محله جنجال به پا کرد تا سرانجام اهالی او را راهی عتبات کردند. در غیابش، خانه گذر قلی فروخته شد و خانواده آل‌احمد به خانه‌ای تازه نقل مکان کردند. سیداحمد طالقانی علاوه بر برگزاری مراسم مذهبی و روضه‌خوانی، بنیانگذار هیئت آل‌احمد بود؛ محفلی پرطرفدار که در دوران ممنوعیت عزاداری، به پناهگاهی مذهبی و سیاسی برای مردم و روحانیون تهران تبدیل شده بود و بسیاری مخفیانه از پشت‌بام خانه‌ها خود را به آنجا می‌رساندند و سفره اطعام نیازمندانش شهرت داشت؛ تا جایی که پس از درگذشتش، امام‌خمینی(ره) نیز برایش مراسم بزرگداشت برگزار کرد. یکی از اتاق‌های این خانه، به‌طور ویژه برای روضه اختصاص داشت و عزاداری پرشوری در آن برگزار می‌شد. پس از مراسم نیز دسته‌های عزاداری به سمت بازار حرکت می‌کردند.

مرهم درد نیازمندان بودند

چند روایت از سبک زندگی و شهادت یک خانواده ۳ نفره

گزارش

سیده کلثوم موسوی | خبرنگار | دیر ازدواج کرد، در ۴۰ سالگی. اما الحق‌والانصاف زنی را برگزید که پابه‌پای او از کوچه‌های تهران تا کربلا و سامرا، مرهم درد نیازمندان شد. محمد اشتیاقی‌مقدم ۱۰ سال پیش به حرمت عشـــق و علاقه‌اش به آقاامام‌زمان(عج) از کف خیابان خاوران برنامه سه‌شـــنبه‌های مهدوی را پایه‌گذاری کرد. او که چراغ موکبی را در ایام اربعین در کربلا هر ساله روشن نگه می‌داشت تصمیم گرفت در طول سال هم در تهران دستگیر خانواده‌های نیازمند باشد. در ۲ســـال اخیر همسرش زهرا فعلی معلم پایه ابتدایی، در این مسیر همراه او شد و تا شهادت پابه‌پای محمد برای کمک به دیگران تلاش می‌کرد. ایـــن زوج همراه فرزند ۱۰ماهه‌شان امیرحسین، ۱۷ فروردین در شب تولد پدر با موشک آمریکایی - صهیونی در بلوار ابوذر در منزل مسکونی‌شان هدف قرار گرفتند و هر ۳ بال پرواز را تا شهادت گشودند.

بند دلم پاره شد

حاجیه‌خانم زهرا جراحیان، مادر شـــهید محمد اشتیاقی مقدم که هر هفته در منزل جلســـه‌های قرآنی برگزار می‌کنـــد، از محمد و خانواده کوچکش می‌گوید: «محمد یک شـــب در میان با همســـرش به ما سر می‌زد. هر وقت از در می‌آمد تمـــام خریدهای روزمره مرا انجام می‌داد. همســـرش زهرا فعلی یک فرشـــته بود؛ هم برای خانواده ما، هم برای شاگردهایش. او یک معلم دلسوز و همسری باوفا برای پسرم بود. ما از او راضی هستیم و الان جای خالی آنها ما را عذاب می‌دهد. وقتی به نوه عزیزم امیرحسین که فقط ۱۰ ماه داشت فکر می‌کنم قلبم از جا کنده و بند دلم پاره می‌شود. محمد رفت و چشمان من هنوز به در است. خیلی از خانواده‌های نیازمند می‌آیند از ارزاق هفتگی و ماهانه‌شان که محمد تهیه می‌کرد می‌پرســـند و وقتی می‌فهمند محمد شـــهید شده متأثر می‌شوند. ما نمی‌خواهیم کارهای خیر محمد بر زمین بماند. راهش را ادامه می‌دهیم و خانواده‌هایی را که محمد به آنها کمک می‌کرد پوشش می‌دهیم.»

شهادت چند ساعت بعد از جشن تولد

تا مادر خانواده سجاده‌اش را برای راز و نیاز شامگاهی پهن می‌کند، جواد اشتیاقی‌مقدم، برادر شهید، از خاطرات محمد برایمان تعریف می‌کند: «هر هفته برای خانواده‌های نیازمند آذوقه کنار می‌گذاشت و خودش تحویلشان می‌داد. ما هم به او کمک می‌کردیم. محمد که رفت ما همه یک‌شبه انگار ۱۰ سال پیر شدیم.

تا می‌خواهیم کمی با غم محمد کنار بیاییم یاد پیکر پســـرش ما را دیوانه می‌کند که مظلومانه از زیر آوار بیرون کشیدیم.» برادر بغضش را فرو می‌برد و ادامه می‌دهد: «هر ساله در کربلا موکب داشـــتیم و تا آخر اربعین به زائران خدمت و شیفتی استراحت می‌کردیم. اما محمد بیشتر شیفت‌ها را در موکب می‌ماند. انبار ما بیرون از شـــهر کربلا بود و گاه نمی‌توانستیم ماشین ببریم. محمد شبانه می‌رفت و وســـایل مورد نیاز را کول می‌گرفت و در مســـیری طولانی تا موکب می‌آورد. همسری هم خدا نصیبش کرد که در این ۲ســـال زندگـــی، همراه محمد در موکب خدمت کرد. محمد ۲۴ اســـفند ۱۴۰۴ در ایست و بازرسی مجروح شد و هر دو پایش را جراحی کردند. چند روز بود که از بیمارستان مرخص شده بود و نمی‌توانست راه برود و در خانه بستری بود. شب ۱۷ فروردین جشن تولد برایش گرفتیم که روحیه‌اش شاد شود. تا ساعت ۱۲ شب کنارش بودیم، نصفه شب که خبر دادند منزل محمد موشک خورده است.

موکب در سرپل ذهاب

رضا اشتیاقی‌مقدم، برادر بزرگ شهید خاطرات بسیاری از برادر شهیدش محمد دارد: «همه دغدغه‌اش حل مشکلات مردم بود. همیشه می‌گفت هوای فلان خانواده را داشته باش. علاوه بر این به عشق امام‌زمان(عج)، برنامه سه‌شنبه‌های مهدوی را در خیابان خاوران پایه‌گذاری کرد تا کودکان و نوجوانان را با امام زمان(عج) آشنا کند. یادم هست یک سال کربلا موکب داشتیم که سریل ذهاب زلزله آمد. محمد به من گفت رضا الان کربلا ایران است و باید برای کمک به زلزله‌زدگان موکب را به سریل ذهاب ببریم و همان روز به سمت کرمانشاه حرکت کردیم.»

یـاد

هدی اسکندری؛ نویسنده

هوالملک

باران، جور دیگری می‌بارید. جمعیت میدان منیریه بیش از شب‌های پیش بود و باد، پرچم‌ها را می‌رقصاند و با قطره‌های باران، خط‌های مورب موازی می‌ساخت؛ شبیه کارتون‌ها، مانند نقاشی آن صفحه از شـــعر کتاب فارسی دبستان: باز بارانِ با ترانه، با گهرهای فراوان، می‌خورد بر بام خانه... خانه و ما اَدراک خانه! خانه که فقط آن آجرها و گچ و رنگ رویش نیست. خانه را آدم‌های درونش می‌سازند. آن‌هایی که چای دم می‌کنند و کنار هم می‌مانند و زندگی می‌کنند، در غم و شادی. و زن‌ها بیشتر بلدند که چگونه از یک ساختمان، خانه بسازند. در میان جمعیت حاضر در میدان سراغ یکی از همان زن‌ها رفتم. با مترو خودش را بـــه میدان منیریه رسانده بود. در همان روزهای نخســـت جنگ، دیوارهای ساختمانشان ترک برداشـــت و در و پنجره‌ها از جا درآمد. حالا دیگر نمی‌شود آنجا زندگی کرد، اما مهر بین خانه و زن سر جایش است. این روزها در محل اسکان مادری می‌کند برای سه فرزندش و شب‌ها در تجمع اشک می‌ریزد برای دل مادران میناب. شعارها را بلندتر از همه فریاد می‌زند و پرچمش را بی‌خســـتگی تکان می‌دهد. از آن خانم‌های کدبانویی است که دستور همه جور غذا و شیرینی را با فوت کوزه‌گری بلد اســـت و حالا دور افتاده از آشپزخانه و اجاق گاز و ادویه‌های مخصوص خودش، اما خوب می‌داند چطور چاشنی بسازد برای زندگی. وقتی بچه‌ها رو ترش می‌کنند و دلتنگ اســـباب‌بازی‌ها و اتاق و تخت‌خواب خودشـــان می‌شـــوند، نمک می‌ریزد. اوقاتِ تلخ همسرش را شیرین می‌کند و به روزهای دور از خانه حیاط‌دارشان مزه می‌دهد. به این فکر می‌کنـــم که زن‌ها در این جنـــگ ادامه‌دار، بار سنگینی را به دوش می‌کشند. تاب‌آوری جامعه با تاب‌آوری زنان پیوند خورده، با استقامتشان. روزهای سخت زیادی مانده که باید با فتنه‌ها جنگید، از هزینه‌های زندگی کاست، با کم و زیادهـــا دوام آورد و از چرخه جنگ، فشـــار و فتنه سربلند بیرون آمد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام شرکت آریوژن فارمد (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۲۲۳۴۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۷۰۰۰۳

جلســـه مجمع عمومی عادی ســـالانه صاحبان ســـهام شـــرکت آریوژن فارمد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۲۳۴۹ و شـــناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۷۰۰۰۳ در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵ راس ساعت ۱۰ صبح در محل قانونی شرکت آریـــوژن فارمد برگزار می‌گردد.

دستور جلسه مجمع به شرح زیر می‌باشد :

۱ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی
۲ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴
۳ـ انتخـــاب بـــازرس قانونی و حســـابرس و بازرس علی‌البدل شـــرکت برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۵
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت
۵ ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

سهامداران محترم می‌توانند با در دست داشتن مدرک شناسایی از ساعت ۹:۳۰ صبح همان روز در محل برگزاری مجمع، برگه ورود به جلسه را دریافت نمایند.

هیات مدیره

آگهی دعوت به مزایده فروش ملک در شهر بندرعباس

شرکت خدمات مهندسی برق (مشانیر) در نظر دارد ملک خود به مساحت ۳۰۰ متر مربع واقع درشهر بندرعباس نشانی: گلشهر جنوبی،بلوار امامت،کوچه سنبل،پلاک ۲ را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد مزایده، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ لغایت تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۴ به نشانی ذیل مراجعه نمایند:تهران، بالاتر از میدان ونک ، خیابان شهید خدامی، روبه روی هتل همـا، کوچه شادی ۲، پلاک ۱ معاونت قراردادها

آخرین فرصت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۰ روز ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ می باشد.
جلسه گشایش پاکات: روز شنبه ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ ساعت ۱۱ صبح در آدرس فوق خواهد بود.
❋ شرکت مشانیردر رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
❋ قیمت پایه ملک ۳۶۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.
❋ هزینه چاپ آگهی ها، بر عهده برنده مزایده می باشد.

مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۵/۰۵۴

شرکت خدمات انفورماتیک سهامی عام
informatics services corporation

شـــرکت خدمات انفورماتیـــک (سهامی عام) در نظر دارد تأمیـن تجهیـزات مـورد نیـاز خـود بـه شـرح ذیـل را از طریـق مناقصـه عمومـی واگـذار نمایـد.

موضوع مناقصه	مهلت دریافت اسناد و تحویل پاکات پیشنهادی	سپردهٔ شرکت در مـنـاقـصـه
خرید تجهیزات اکتیو شبکه مطابق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه	تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۱۴	ضمانتـنـامه بانکی و یا واریز وجه به میـزان ۴۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

شرایط اخذ اسناد

از کلیه اشـخاص حقوقی واجد شـرایط دعوت به عمل می‌آید جهت خرید اسناد مناقصه در ساعات اداری (۸ الی ۱۵)، به نشـانی: تهران، بلوار میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه‌نظری، خیابـان مددکاران، تقاطع خواجوی، پلاک ۶، طبقه همکـف، واحد دبیرخانه مراجعه نمایند. (شماره تماس ۲۷۳۷۰) جهت اخذ اسناد مناقصه ارائه مدارک ذیل الزامی است :

● معرفی‌نامه معتبر از جانب شرکت مناقصه‌گر
● ارائـه گواهینامه معتبر رتبه‌بندی شـورای عالی انفورماتیک در زمینه شـبکه داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی
● گواهینامه معتبر مرکز مدیریت راهبردی افتاء

محل تحویل پاکات پیشنهادی، آدرس فوق، دبیرخانهٔ شرکت خدمات انفورماتیک می‌باشد.

شرکت خدمات انفورماتیک در رد یا قبول پیشنهادات ارائه شده مختار بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

آگهی مناقصه عمومی بصورت تمام الکترونیکی ۱۴۰۵/۳۱۴۵

شـــهرداری منطـقـه ۱۱ در نظر دارد عملیـات ذیل را از طـریـق مناقـصـه عمومی واگذار نماید. بدینوسیله از اشخاص واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می‌آید :

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت انجام خدمت	میزان ضمانت حسن اجرای تعهدات	شرایط اصلی متقاضی
۱	عملیات تکمیلی سـوله ورزشی شـهید حججی	۸۸،۵۸۱،۴۷۳،۸۰۰	۴،۴۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۲ ماه شمسی	۵ درصد از مبلغ پیمان	دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری با حداقل پایه ۵ در رشته ابنیه با ظرفیت آزاد کاری و ریالی از سازمان برنامه و بودجه کشور و کارت الکترونیکی معتبر ارائه‌دهندگان خدمت و تامین‌کنندگان شهرداری تهران با ظرفیت آزاد کاری و ریالی در رسته ساختمان معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران در روز برگزاری مناقصه باشند.

اسـناد مناقصه از طریق تالار آگهی معاملات شـهرداری تهران به نشـانی business.tehran.ir قابل رویت و دریافت می باشـد. متقاضیان از زمان انتشار آگهی تا پایان وقت روز شـنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۳ (سـاعت ۲۴) می‌بایسـت اسـناد را دریافت و نسـبت به بارگذاری، امضا و مهر و موم کلیه اسـناد درخواسـتی در پاکت الف و برگ پیشـنهاد قیمت در پاکت ب به وسـیله توکن اقدام نمایند. (اسـناد و مدارک بارگذاری شـده توسـط شـرکت کنندگان می بایسـت خوانا و با کیفیت باشد در غیر اینصورت توسط اعضای کمیسیون قابل قبول نمی باشد.)

الف) میزان سپرده نقدی و شماره حساب : متقاضیان می‌بایست مبلغ سپرده شرکت در مناقصه را مطابق جدول فوق بصورت نقد به شماره حساب ۱۰۰۶۰۷۱۹۵۴ نـزد بانک شـهر شـعبه خیابان قزوین واریـز و فیش آن‌را ارائه نماینـد و یا بصورت ضمانت‌نامـه بانکی معتبر تهیه و تا پایان سـاعت اداری مـورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۳ تحویل اداره امور قراردادها نمایند.

ب) سـایر شرایط ارائه اسناد : شـرکت در مناقصه و ارائه پیشـنهاد به منزله قبول شـروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و شـهرداری در رد هر یک یا کلیه پیشنهادها مختار خواهد بود.

توضیحات ۱ : هیچگونه پیش پرداختی در اسناد مناقصه پیش بینی نگردیده است.

توضیحات ۲ : ارائه اصل گواهی امضای صاحب امضاء مجاز شـرکت در پاکت «الف» برای کلیه متقاضیان الزامی می باشـد و می بایست تا پایان ساعت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۳ تحویل اداره امور قراردادها نمایند.

تعهد به اجرای ضوابط بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) و همچنین دستورالعمل ارزیابی عملکرد زیست محیطی پیمانکاران از الزامات پروژه‌ها و خدمات می‌باشد.

روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱

همشهری TV
HAMSHAHRI TV
#اطلاع‌رسانی #آموزش #فیلم‌و‌سریال